

حضرت زهرا علیها السلام و زنان مدینه

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

اشاره

خطبه حضرت زهرا علیها السلام در میان زنان مدینه که از آن به «خطبه عیادت» نیز تعبیر می‌شود، یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین سخنرانی‌ها در تاریخ اسلام است. این خطبه که در زمان کشاکش غصب خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان شده است، نکات بسیار مهمی را داراست که باید به طور خاص مورد بررسی قرار گیرد. سوئد بن غفله می‌گوید پس از آنکه زنان سخنان فاطمه علیها السلام را برای مردان خود بازگو کردند، دسته‌ای از مردان برای عذرخواهی نزد فاطمه زهرا علیها السلام آمدند و به بهانه اینکه با ابوبکر بیعت کرده‌اند و به لحاظ شرعی نمی‌توانند بیعت خود را بشکنند، از کمک به ایشان و یاری رساندن در احیای خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام خود را معذور دانستند. حضرت زهرا علیها السلام پس از شنیدن سخنان آنان، آنها را از خود دور کرد و بیان داشتند: «با من سخن نگویند که عذرخواهی شما غیرصادقانه است»^۱ و «هیچ بهانه‌ای برای دفاع نکردن از حق نخواهید داشت و در قبال فجایعی که در آینده پیش خواهد آمد، مسئولید»^۲.

بررسی این خطبه به روشن شدن بینش حضرت زهرا علیها السلام در برابر جامعه اسلامی و نقش زنان در آن کمک می‌کند و می‌تواند درس‌های ارزشمندی برای نسل‌های امروز و فردا به همراه داشته باشد.

برخی از پژوهشگران اسلامی، سخنان فاطمه زهرا علیها السلام در جمع زنان مدینه را دارای فصاحت

* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی.

۱. حسینعلی منتظری، خطبه فاطمه زهرا علیها السلام و ماجرای فدک، ص ۴۲۴ - ۴۲۶.

۲. علی کریمی، سیره و سیمای ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله، ص ۷۴۸ - ۷۴۹.

و بلاغتی ستودنی و محتوایی شگفت‌انگیز می‌دانند.^۱ با توجه به شناختی که حضرت فاطمه علیها السلام از تحولات جامعه نوپای اسلامی داشتند، برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان خود که به طور مستقیم زنان مدینه و غیرمستقیم مردان مدینه بودند، از کنش‌های گفتاری متعددی چون کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی در این خطبه استفاده کرده است.^۲ همچنین با بررسی محتوا، این نکته به دست می‌آید که ایشان آگاهی کاملی درباره مسائل و جریان‌های حاکم بر مدینه داشتند.^۳

سند خطبه و شروح آن

خطبه حضرت زهرا علیها السلام در کتاب‌های شیعه و اهل سنت از ائمه معصوم و نیز دیگر افراد روایت شده است.^۴ این خطبه با چند سند نقل شده است^۵ که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. شیخ صدوق در معانی الاخبار این خطبه را به دو طریق، یکی به سندش از امام علی علیه السلام و دیگری از طریق عبدالله بن حسن بن حسن از مادرش فاطمه دختر امام حسین علیه السلام نقل کرده است.^۶

۲. طبری در دلائل الامامة در روایتی از امام صادق علیه السلام از جدش امام سجاد علیه السلام این خطبه را نقل کرده است.^۷

۳. ابن طیفور و ابن ابی‌الحدید از عالمان اهل سنت در کتاب‌های خود بلاغات النساء^۸ و شرح نهج البلاغه^۹ این خطبه را از عطیه کوفی روایت کرده‌اند.

۴. احمد بن علی طبرسی نیز در الاحتجاج به نقل از سونند بن غفلة این خطبه را نقل کرده است.^{۱۰}

۱. همان، ص ۷۳۴.

۲. محبوبه خزاعی و دیگران، «تحلیل خطبه عیادت بر پایه نظریه کنش گفتاری»، ص ۷-۸.

۳. فتحیه فتاحی‌زاده و دیگران، «اسناد و شروح خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام»، ص ۱۷-۱۸.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. ناصر مکارم شیرازی، زهرا برترین بانوی جهان، ص ۲۱۵.

۶. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۵۴-۳۵۶.

۷. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۱۲۵.

۸. احمد بن ابی‌طاهر ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۹.

۹. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۳.

۱۰. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

همچنین خطبه حضرت زهرا علیها السلام در جمع زنان مدینه، هم به طور مستقل و هم ضمن کتاب‌هایی درباره آن حضرت مورد توجه شارحان و پژوهشگران قرار گرفته است؛ از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ملکه اسلام: شرح خطبه فدکیه و خطبه حضرت زهرا علیها السلام در جمع زنان مدینه، نوشته میرزا خلیل کمره‌ای؛ رنج‌نامه کوثر آفرینش: شرح خطبه دوم، عیادت زنان مهاجر و انصار از حضرت زهرا علیها السلام، اثر سید مجتبی برهانی؛ شرح دو خطبه فدکیه و خطبه عیادت حضرت زهرا برترین بانوی جهان، تألیف ناصر مکارم شیرازی.

زمینه‌های اجتماعی و سیاسی خطبه

فضای سیاسی - اجتماعی جزیره العرب در آن روزگار، مبتنی بر نوعی نظام قبیله‌ای بود که اهمیت تعصب قومی - قبیله‌ای در برابر کشف حق و حقیقت دارای برتری بود. در میان قریشیان و در رأس ایشان ابوبکر و عمر، حق علی علیه السلام را در حالی که ایشان مشغول مراسم تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، غصب کردند و با تطمیع دیگرانی همچون ابوسفیان، توانستند بیشتر قریش را با خود همراه کنند و خلافت را به دست بگیرند. این امر نشان از آن دارد که دیگر قبایل، قدرت رویارویی با قریش را نداشتند.

ابوبکر و عمر قبایل مختلف بیابان‌نشین را که به اجبار شمشیر اسلام آورده بودند، در مدینه جمع کردند و در کنار ایشان نیز افراد تازه‌مسلمان حضور داشتند. طبری در تاریخ طبری، ماوردی شافعی در الحاوی الکبیر و عبدالوهاب نویری در نه‌ایة الأرب می‌نویسند: قبیله اسلم همگی در مدینه گرد آمدند تا با ابوبکر بیعت کنند؛ آن قدر جمعیت زیاد بود که حتی بازارها نیز گنجایش ایشان را نداشت. عمر گفت: قبیله اسلم را که دیدم، یقین به پیروزی پیدا کردم.^۱

در این میان حضرت صدیقه علیها السلام در زمانی کوتاه، بالاترین و بهترین فعالیت سیاسی - اجتماعی در دفاع از ولایت را انجام دادند. حضرت زهرا علیها السلام در جایگاه یک زن از همه مردان زمانش در دفاع از حریم ولایت پیشی گرفت تا نه تنها در اخلاق و عرفان بلکه در فعالیت سیاسی نیز الگوی کاملی برای همه زنان و مردان شیعه و مسلمان باشد. اینکه حضرت دختر پیامبر بود، سبب نشد خود را از صحنه سیاست کنار بکشد و به جریان عبادت فردی بپردازد، بلکه ایشان به خوبی نشان دادند عبادت فردی تا زمانی که بسترهای اصیل سیاسی و اجتماعی بر مدار حق و

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۴.

حقیقت نباشد، دوامی ندارد، بلکه به انحراف دین منجر می‌شود و آن‌گاه عبادت فردی هم محقق نمی‌شود.

حضرت برای افشای ماهیت انحراف تلاش‌های بسیاری انجام دادند که یکی از این تلاش‌ها بعد از جراحی و هنگامی است که در بستر بیماری قرار گرفته‌اند.

چرا زنان مدینه

یکی از پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است که چرا فاطمه زهرا علیها السلام این مباحث را برای زنان مدینه بیان کردند؟ مگر امکان گفتگوی جمعی این مباحث در مکان‌های عمومی و بین زنان و مردان به طور عمومی وجود نداشت؟ یک پاسخ می‌تواند این باشد که حضرت علیها السلام به ظرفیت سرمایه اجتماعی مهمی همچون زنان توجه کرده‌اند. همان‌طور که امام خمینی علیه السلام فرمودند: «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود». بنابراین اصلاح یک خانواده و نیز جامعه یا افساد آن می‌تواند هر دو از زن سرچشمه بگیرد؛ یعنی زن می‌تواند اجتماع را هم به سوی سعادت و رحمت پیش برد و هم به سوی شقاوت و ظلمت.

با بررسی در تاریخ - قبل یا بعد از اسلام - و در دنیای متمدن امروز مشخص می‌شود حجم‌هایی که به سمت زن برای از بین بردن استعدادها و نشانه رفته است، هرگز متوجه مرد نبوده است؛ چون توانایی زن در تربیت خود و دیگران در کامل شدن و کامل کردن، بالاتر از مرد است.^۱

به بیان دیگر، زنان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی هستند که به طور خاص هم بر خانواده تأثیر خاصی دارند و هم بر جامعه. موضوع سرمایه اجتماعی، مفهومی پیچیده، چندوجهی و بین‌رشته‌ای و همچنین از عناصر مهم پویای نظام اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تولیدی هر جامعه است که طی دهه‌های اخیر در کنار سرمایه‌های فیزیکی و انسانی مورد توجه جدی قرار گرفته است. همچنین یکی از معیارهای مهم برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان به عنوان نیمی از جمعیت در آن کشور دارند.^۲

۱. فاطمه میرزایی، جمال مستور، ص ۴۹.

۲. ملیحه شیانی و حنان زارع، «وضعیت سرمایه اجتماعی زنان در جامعه کار و تولید»، ص ۴۷۳.

افزون بر اینها، اسلام توجه خاصی به این سرمایه عظیم و گران بها دارد. زن در اسلام افزون بر مسئولیت اداره خانه و تربیت فرزندان که از مهم ترین وظایف اوست، در بسیاری از مسئولیت های اجتماعی با مردان شریک است و انجام این وظیفه خواه و ناخواه او را از حصار خانه به صحنه های اجتماعی می کشاند؛ این مسئله نه تنها با حفظ حجاب و عفاف که از وظایف دیگر اوست منافات ندارد، بلکه او را در بهتر انجام دادن مسئولیت های اجتماعی و سلامت روانی اش یاری می کند.^۱

بنابراین اسلام به زنان اجازه فعالیت داده است؛ اما آنچه مهم است، حفظ شرافت و عفت اوست، نه هم رنگ شدن با زمان و خودباختگی. از نظر اسلام زن می تواند کسب و کار مشروع و معقولی داشته باشد که با اصالت و آبروی او در نظام زندگی معنوی و انسانی سازگار باشد. خداوند در قرآن می فرماید: «وَالنِّسَاءُ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»^۲ برای زن است از آنچه کسب می کند، بهره برد). پس می توان گفت نقش زنان در خانواده و حضور او در آن مؤثر و از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ اما حضور او در جامعه در حد ضرورت و برطرف کردن نیازهای جامعه در حد واجب کفایی و با در نظر گرفتن اصل عفاف بدون اشکال و گاه ضرورت است. رهبر معظم انقلاب درباره حضور زنان در اجتماع می فرماید: «بعضی افراد می کنند، بعضی تفریط می کنند. بعضی می گویند چون فعالیت اجتماعی اجازه نمی دهد به خانه و شوهر و فرزند برسیم، پس فعالیت اجتماعی نباید بکنیم. بعضی می گویند چون خانه و شوهر و فرزند، اجازه نمی دهد فعالیت اجتماعی بکنیم، پس شوهر و فرزند را باید رها کنیم. هر دو غلط است؛ نه این را به خاطر آن، نه آن را به خاطر این نباید از دست داد».^۳

تحلیل محتوای خطبه

آیت الله مکارم شیرازی خطبه حضرت فاطمه علیها السلام بین زنان مدینه را مانند «خطبه فدکیه» دارای

۱. سید احمد فاضلی بیارجمندی، نقش زنان شیعه در عصر امام علی علیه السلام، ص ۲۱۶.

۲. نساء: ۳۲.

۳. سخنرانی در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰؛ در:

آهنگی رسا و شجاعانه و البته با لحنی غم‌انگیز تر می‌داند.^۱ ایشان در توصیف این خطبه بیان می‌دارند:

اگرچه حضرت فاطمه بسیار مورد ستم واقع شده بود و به خاطر جراحات ناشی از ماجرای هجوم به خانه‌اش در بستر بیماری افتاده بود؛ ولی در این خطبه از حال خودش هیچ نگفت و محور تمام سخنان او غصب خلافت، مظلومیت علی علیه السلام و خطرات آینده این انحراف بزرگ بود و این نشانه ایثار و مقام رضا و تسلیم او در برابر خداوند است.^۲

احمد بن علی طبرسی (از عالمان قرن ششم قمری) در احتجاج نقل می‌کند: «هنگامی که بیماری حضرت زهرا علیها السلام شدت یافت و بر ایشان غلبه کرد، زنان مهاجران و انصار در اطراف او اجتماع نمودند و به حضرتش گفتند: ای دختر رسول خدا، شب را با بیماری چگونه صح کردی؟»؛ آن‌گاه حضرت علیها السلام لب به سخن گشودند و این خطبه فصیح، بلیغ و تبیین‌گر را بیان کردند.^۳

در ادامه حضرت به بیان موضوعاتی می‌پردازند که عبارت‌اند از:

۱. توصیف مردان مدینه (انصار و مهاجر)

حضرت علیها السلام پس از حمد الهی و نفرت از دنیایی که ایشان ساخته‌اند، مردان مدینه را این‌گونه توصیف می‌کنند:

قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ، لَفَطْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ سَنَأْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ، فُقِيحًا لِفُلُولِ الْحَدِّ وَ اللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ وَ قَرِحِ الصَّفَاةِ وَ صَدْعِ الْقَنَاءِ وَ حَظْلِ الْأَرَاءِ وَ زَلَلِ الْأَهْوَاءِ وَ "كِبْسُ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ"^۴ لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رَبَّتْهَا وَ حَمَلْتُهُمْ أَوْقَتَهَا وَ سَنَنْتُ عَلَيْهِمْ عَارَهَا جَدْعًا وَ عَقْرًا وَ بَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛

مردان شما را دشمن می‌شمردم و از آنها بیزارم. آنها را آزمودم و دور افکندم و امتحان کردم و مبعوض داشتم. چقدر زشت است شکسته‌شدن شمشیرها [و سکوت در برابر غاصبان] و

۱. ناصر مکارم شیرازی، زهرا برترین بانوی جهان، ص ۲۱۱.

۲. همان، ص ۲۱۲ - ۲۱۵.

۳. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.

۴. مانده: ۸.

بازی کردن بعد از جدّ [و به شوخی گرفتن سرنوشت اسلام و مسلمانان] و کوبیدن بر سنگ [و کار بی حاصل کردن] و شکافته شدن نیزه‌ها [و تسلیم در برابر دشمن] و فساد عقیده و گمراهی افکار و لغزش اراده‌ها و "چه بد اعمالی از پیش برای [معاد] آنها فرستاد، نتیجه آن خشم خداوند بود، و در عذاب [الهی] جاودانه خواهد ماند". و چون چنین دیدم، مسئولیت آن را به گردنشان افکندم و بار سنگین گناه آن را بر دوششان و رهاورد هجومش را بر عهده آنها نهادم. همه این سخنان نشان از ضعف مردان مدینه و عقوبتی دارد که گریبانگیر ایشان در همراهی نکردن با حق و راه هدایت شده است. امکان وقوع این امر در همه زمان‌ها وجود دارد و انسان باید به فکر باشد که در هر برهه‌ای از راه حق دور نشود، وگرنه آنچه از آن نصیبش می‌شود، سختی و گرفتاری در دنیا و آخرت است.

۲. توصیف امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه پرسشی را طرح می‌کنند که مشخص است پاسخ‌نقدان نه از سر بی‌جوابی که به دلیل مشخص بودن جواب آن بود. ایشان بیان می‌دارند: «وَمَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام؛ آنها چه ایرادی را بر ابوالحسن علی عليه السلام داشتند؟» پس از این پرسش، حضرت عليها السلام به توصیف کاری می‌پردازد که علی عليه السلام برای اسلام انجام داد: «نَقَمُوا مِنْهُ وَ اللَّهُ نَكِيرٌ سَنِفِهِ، وَ قَلَّةٌ مُبَالَاةٌ بِحَتْفِهِ، وَ شِدَّةٌ وَ طَأْتِهِ، وَ نِكَالٌ وَ قَعْتِهِ، وَ تَن مَرِه فِي ذَاتِ اللَّهِ؛ والله آنها بر شمشیر برنده او ایراد می‌گرفتند و بی‌توجهی در برابر مرگ در میدان نبرد و قدرت او در جنجگویی و ضربات درهم‌شکننده‌اش بر دشمن».

درواقع کجا در دنیا می‌توان مانند علی عليه السلام یافت که ویژگی‌هایی در خود جمع کرده باشد که ظالم از او هراس داشته باشد و مظلوم در سایه‌سار حمایت او آرامش و آسایش را احساس کند. گفتیم که علی، گفت بگو سِرُّ الله گفتیم که به وصفش چه بگویم گفتنا لا حول و لا قوة إلا به الله

بر اساس روایت‌های متعددی که شیعه و اهل سنت نقل کرده‌اند، هنگامی که امام علی عليه السلام در جنگ احد از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد، صدایی از آسمان شنیده شد که می‌فرمود: «لَا سَيْفَ إِلَّا

ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ؛ شمشیری مگر ذوالفقار و جوانمردی جز علی وجود ندارد^۱. در برخی روایات، گوینده این ندای آسمانی جبرئیل^۲ در بعضی احادیث، فرشته‌ای به نام رضوان^۳ دانسته شده است و در برخی دیگر نام گوینده ذکر نشده است.^۴

۳. توصیف حکومت علوی

حضرت فاطمه علیها السلام در ادامه به مسائلی اشاره می‌کنند که مسلمانان می‌توانستند در حکومت علوی بدان برسند؛ اما به دلیل همراهی نکردن با جبهه حق نتوانستند از آن بهره‌مند شوند. حضرت در بیان این ویژگی‌ها می‌فرماید:

وَ تَاللَّهِ لَوْ مَا لَوْ عَنِ الْمَحَبَّةِ اللَّائِيَّةِ، وَ زَا لَوْ عَنِ قَبُولِ الْحُجَّةِ الْوَاضِحَةِ، لَرَدَّاهُمْ إِلَيْهَا، وَ حَمَلَهُمْ عَلَيْهَا، وَ لَسَارَ بِهِمْ سَبْرًا سُجْحًا، لَا يَكْلُمُ خُشَّاشَةً، وَ لَا يَكِلُ سَائِرَةً وَ لَا يَمِلُ رَاكِبَةً؛

[آری] به خدا سوگند [اگر امر خلافت با او بود] هرگاه مردم از جاده حق منحرف می‌شدند و از پذیرش دلیل روشن سر باز می‌زدند، آنها را با نرمی و ملایمت به سوی منزل مقصود سیر می‌داد؛ سیری که هرگز آزاردهنده نبود، نه مرکب ناتوان می‌شد و نه راکب خسته و ملول.

وَ لَا وُرْدَهُمْ مِنْهَا نَمِيرًا صَافٍ يَا رَوِيًّا تَطْفُحُ صَفْتَاهُ وَ لَا يَتَزَنَّقُ جَانِبَاهُ، وَ لَا ضَدْرَهُمْ بَطَانًا وَ نَصَحَ لَهُمْ سِرًّا وَ إِعْلَانًا؛

و سرانجام آنها را به سرچشمه آب زلال و گوارا وارد می‌کرد؛ نه‌ری که دوطرفش مملو از آب بود، آبی که هرگز ناصاف نمی‌شد. سپس آنها را پس از سیرابی کامل باز می‌گرداند و سرانجام او را در پنهان و آشکار خیرخواه خود می‌یافتند.

وَ لَمْ يَكُنْ يَتَحَلَّى مِنَ الدُّنْيَا بَطَائِلَ، وَ لَا يَخْطِي مِنْهَا بِنَائِلَ، غَيْرَ رَيِّ النَّاهِلِ وَ شَبَعَةِ الْأَكْفَلِ، وَ لَبَّ انْ لَهُمُ الزَّاهِدُ مِنَ الزَّاعِبِ، وَ الضَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ؛

[آری] او هرگز از دنیا بهره نمی‌گرفت و از آن سودی جز سیراب‌کردن تشنه‌کامان و سیرنمودن

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۱۰.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۵.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۸۷؛ محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۲۸.

۴. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۷.

گرسنگان نداشت و در اینجا دنیاپرست از زاهد، و راستگو از دروغگو، برای همه آنها روشن می شد.

در ادامه کلام خویش به دو آیه از قرآن کریم اشاره می کنند؛ چراکه شاید اگر استناد آنها به آیات قرآن باشد، بر اثر نورانیت آن دل ایشان به سوی حق تمایل پیدا کند و بیش از این از راه هدایت که همانا همراهی با اهل بیت علیهم السلام است، دور نشوند. ابتدا آیه ۹۶ سوره «اعراف» را تلاوت می کنند:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛

و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی [آنها حق را] تکذیب کردند و ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

این آیه دقیقاً حکایت مردم مدینه آن زمان است؛ کسانی که حق را تکذیب کردند و در نتیجه این تکذیب، راه هدایت بدیشان آن گونه که باید باز نماند و هر روز از این راه مستقیم الهی دور شدند. چه خوب آیه ای را حضرت فاطمه علیها السلام تلاوت کردند که نشان می دهد اهل بیت علیهم السلام کسانی هستند که به آیات الهی تسلط دارند و بر اساس ارتباط با ذات الهی، به آینده علم دارند و بر اساس سنن الهی می توانند آینده یک ملت را بر اساس عملکردشان (یعنی مواجهه با حق و باطل) بیان دارند.

آیه دیگری که ایشان تلاوت می کنند، آیه ۵۱ سوره «زمر» است: «وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَائِتَاتٌ مَّا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ؛ سپس بدی های اعمالشان به آنها رسید و ظالمان این گروه [= اهل مکه] نیز به زودی گرفتار بدی های اعمالی که انجام داده اند خواهند شد و هرگز نمی توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند».

۴. ضعف فکری

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه با اشاره به نداشتن پشتوانه فکری مردم، بیان می دارند: «أَيَّتْ شِعْرِي؟ إِلَىٰ أَيِّ سِنَادٍ اسْتَدُّوا؟ وَ عَلَىٰ أَيِّ عِمَادٍ اعْتَمَدُوا؟ وَ بِأَيِّ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا؟ وَ عَلَىٰ أَيِّ ذُرِّيَّةٍ أَقْدِمُوا وَ احْتَنَكُوا؟؛ ای کاش می دانستم آنها به کدام سند استناد جستند؟ و بر کدام پشتوانه ای اعتماد کردند؟ و به کدام دستاویز محکم چنگ زدند؟ و بر کدامین ذریه جرئت کردند و مسلط شدند؟»

این بخش از کلام حضرت علیه السلام نشان می‌دهد این افراد برای دوری خود از امیرالمؤمنین علیه السلام و همراهی نکردن با ایشان هیچ استناد دینی و نیز عقلانی ندارند؛ چراکه اگر ذره‌ای فهم این اشتباه را داشتند، دست به این کار نمی‌زدند و از همراهی با جبهه حق دوری نمی‌کردند.

۵. به تصویر کشیدن عقوبت

حضرت علیه السلام به بیان عقوبت رفتار باطل آنان اشاره می‌کنند و فرازهایی را بیان می‌دارند که وجود آدمی با شنیدن آن به لرزه می‌افتد؛ به همین دلیل با بازگوکردن این خطبه از سوی زنان برای همسران خویش، چنان ترسی بر وجود ایشان افتاد که برای عذرخواهی به محضر ایشان آمدند؛ ولی اشکال کار این بود که حاضر نشدند دست از بیعت خود با ابوبکر بردارند و به جاده حق و حقیقت برگردند و سرانجام ایشان آن شد که نباید شود.

أَمَّا لَعْمَرِي لَقَدْ لَتَحْتُ، فَنَظَرْتُ رَيْثَمَا تُنْبِئُ، ثُمَّ اخْتَلَبُوا مِلَأَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْبِطًا، وَ دُعَاةً مُبِيدًا، هُنَالِكَ يَحْسُرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ غَيْبَ مَا أَسَسَ الْأَوَّلُونَ، ثُمَّ طَيَّبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا وَ أَطْمَنَّتُوا لِلْفِتْنَةِ جَاشًا؛

[بدانید] به جان خودم سوگند، ناچه خلافت باردار شده، منتظر باشید چندان نمی‌گذرد که نوزاد خود را به دنیا می‌آورد [آن‌گاه ببینید چه نوزادی آورده]؛ سپس به جای کاسه شیر، کاسه‌های پر از خون تازه و سم کشنده را بدوشید. و آن زمان است که طرفداران باطل گرفتار خسران می‌شوند. آری، سرانجام دنباله‌روان [چشم و گوش بسته و بی‌خبر] عاقبت کاری را که پیشوایان نشان پایه‌گذاری کردند، خواهند فهمید [و با تمام وجودشان آثار شوم آن را لمس می‌کنند]. [بروید] از این پس به دنیای خود دل خوش کنید و از آن راضی و خوشحال باشید؛ ولی برای امتحان و فتنه پراضطرابی که در انتظار شماست، خود را آماده کنید.

وَ أَبْشُرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ، وَ سَطْوَةِ مَعْتَدِ غَاشِمٍ، وَ بَهْرَجِ شَامِلٍ، وَ اسْتِئْثَادِ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيْئَكُمْ زَهِيدًا، وَ جَمْعَكُمْ حَصِيدًا. فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَ أَنِي بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ؟؛

و شادمان باشید به شمشیرهای برنده، سلطه تجاوزگرانی ستمگر و خون‌خوار، هرج و مرجی فراگیر و حکومتی مستبد از ناحیه ظالمان؛ حکومتی که ثروت‌های شما را بر باد می‌دهد و جمعیت شما را درو می‌کند. اسفا بر شما، چگونه امید نجات دارید؛ درحالی که حقیقت بر شما مخفی مانده و از واقعیت‌ها بی‌خبرید؟

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن طیفور، ابی الفضل احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، [بی جا]: مکتبه بصیرتی، [بی تا].
۳. خزاعی، محبوبه، حسین خاکپور و ولی الله حسومی، «تحلیل خطبه عیادت حضرت زهرا علیها السلام بر پایه نظریه کنش گفتاری»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۸۰، ۱۳۹۸ ش.
۴. شیانی، ملیحه و حنان زارع، «وضعیت سرمایه اجتماعی زنان در جامعه کار و تولید»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴.
۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۶. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.
۷. _____، معانی الاخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۸. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۹. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، قم: نشر بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. فاضلی بیارجمندی، سیداحمد، نقش زنان شیعه در عصر امام علی علیه السلام، قم: میثم تمار، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. فتاحی زاده، فتحیه و محمدرضا رسولی راوندی، «اسناد و شروح خطبه های حضرت زهرا علیها السلام»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ش ۴۵، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: رضی، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. کرمی فریدنی، علی، سیره و سیمای ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان، قم: سرور، ۱۳۷۹ ش.

۱۷. منتظری، حسینعلی، شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام و ماجرای فدک، قم: دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. میرزایی، فاطمه، جمال مستور، قم: ارمان طوبی، ۱۳۹۰.

19. <https://farsi.khamenei.ir>.